

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی  
۲۲ نومبر ۲۰۱۶

## مهمترین پیام نتایج انتخابات امریکا

حرکت هرچه بیش‌تر سرمایه‌داری جهانی به‌سوی بربریت و جنگ و خشونت است!  
(بخش پنجم و پایانی)

### نویسندگان

پل استر، نویسنده سرشناس امریکائی هم ضمن مخالفت با دونالد ترامپ، نامزد جمهوری‌خواهان، گفته است که نظام سیاسی امریکا در آستانه بن‌بست است. وی گفت: «این سخت‌ترین کمپین در زندگی من و شاید در تاریخ امریکا است. هر کسی که می‌شناسم در آستانه بیماری روانی است». وی این جمله تبلیغاتی دونالد ترامپ را که گفته «بباید دوباره امریکا را با عظمت کنیم»، به‌این تعبیر می‌کند که «بیانید دوباره امریکا را سفیدپوست کنیم». «من و همسرم سیری (هوستوت، نویسنده امریکائی)، داخل تاکسی بودیم. روزهای اول آغاز رقابت‌های انتخاباتی. یک جوان با هوش سیاه‌پوست راننده تاکسی بود. رادیو هم روشن بود و در اخبار این جمله ترامپ پخش شد. از راننده پرسیدم «فکر می‌کنی منظورش چیست؟» او بلافاصله گفت: «یعنی بیانید امریکا را کشور سفیدها کنیم». پس اگر سیاه‌ها چنین برداشتی دارند، بقیه هم چنین فکر خواهند کرد».



پل استر، نویسنده سه‌گانه نیویورک

مجری از آقای استر پرسید: «پس اگر ترامپ ببرد آیا امریکا را کشور نژادپرستی می‌شود»؟

وی پاسخ داد: «امریکا در حال حاضر هم به هزاران شکل، کشوری نژادپرست است. اما وقتی رئیس مملکت چنین چیزی بگوید آن وقت وضعیت خطرناک می‌شود».

پل استر می‌گوید انتخاب باراک اوباما به‌عنوان یک رئیس‌جمهور سیاه‌پوست، امریکا را در مقطعی از تاریخ قرار داد که تصور می‌شد: «این کشور بالاخره به‌سطحی از بینش رسیده که یک رئیس‌جمهور سیاه‌پوست را در راس قدرت بنشانند و فارغ از رنگ پوست او تصور کند که این مرد بهترین شخص برای هدایت این کشور است».

اما به‌گفته او، جمهوری‌خواهان در مقابل این اتفاق رویکرد درستی نداشتند و به‌همین دلیل امریکا اکنون «در همان شرایط سال ۱۸۶۱ قرار گرفته که جنگ داخلی شروع شد. دو طرف نمی‌توانند با هم صحبت کنند».

وی می‌گوید نمی‌تواند پیش‌بینی کند چه کسی برنده است اما از روی نظر سنجی‌ها حدس می‌زند که کلینتون جلو باشد. و می‌گوید جمهوری‌خواهان خود را برای شب نهم دسامبر آماده کرده‌اند که به‌طور خصمانه‌ای دنبال کلینتون راه بیافتند و علیه او اقدام کنند.

به‌همین دلیل، از نظر وی سال‌های «سختی» که اوباما بعد از دوران ریاست جمهوری داشت در مقایسه با سال‌های ریاست جمهوری کلینتون دوران آسوده «کودکستان» به‌نظر خواهد آمد.

در پایان مصاحبه مجری از پل استر پرسید آیا نظام سیاسی فعلی امریکا به‌بن‌بست رسیده است؟ پاسخ او این بود: «بله داریم به‌آن نقطه می‌رسیم... من هیچ وقت تا این اندازه مایوس نبودم. با این پرسش‌ها که ما که هستیم و به کجا می‌رویم»؟

بسیاری از نویسندگان و هنرمندان امریکائی، از پیروزی دونالد ترامپ خشنود نیستند. نیکلسون بیکر، یکی از نویسندگان سرشناس امریکا، از ترامپ به‌عنوان یک «اغتشاشگر پولدار و متبسم» که با «حقه‌بازی» انتخابات ریاست جمهوری را برد، یاد کرده است.

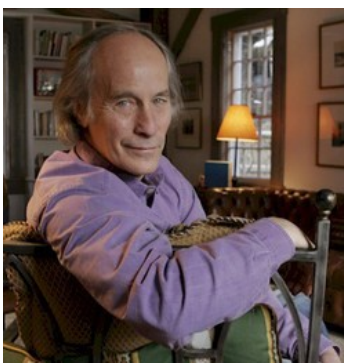
تام کوراکسن بویل مشهور به «تی‌سی بویل»، یکی دیگر از نویسندگان مشهور امریکائی گفته است:

«من از دوران ریاست جمهوری نیکسون و جرج دبلیو بوش جان سالم به در بردم. اما این یکی؟ ما امریکائی‌ها مثل دوران جنگ داخلی گرفتار اختلاف و دوپارگی شده‌ایم. چه باید کرد؟ نمی‌دانم. می‌گویم شب بخیر. امیدوارم صبح که از خواب بیدار شدیم، انسان‌های بامدارائی باشیم».

ریچارد فورد که فقط رمان «زندگی وحشی» وی (به ترجمه کیهان بهمنی) و نمایشنامه «استوای امریکائی» (به ترجمه به‌رنگ رجبی) و دوسه داستان کوتاه‌اش به‌فارسی منتشر شده نیز از مخالفان دونالد ترامپ است. پیش از پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری امریکا، «دی تسایت» با این نویسنده معروف گفت‌وگویی انجام داده بود. بیشتر این گفت‌وگو به ترامپ ربط داشت و بخش دیگرش به‌رمان‌های ریچارد فورد اختصاص داشت که هنوز به‌فارسی ترجمه نشده است.

ریچارد فورد، در این گفتگو در جواب سؤالات از وی، از جمله گفته است:

امریکا در هشت سال گذشته چه تغییری کرده؟



ریچارد فورد، نویسنده آمریکایی

... چه پیامدی دارد پیروزی ترامپ در فرهنگ آمریکا؟ آیا عقیده شما نسبت به آمریکا تغییر می‌کند؟ نگاه من به آمریکا مدتی است که تغییر کرده، بنابراین شگفتی‌ام (از پیروزی ترامپ) بی‌حد نیست. من به چشم دیدم که چگونه محبوبیت و نفوذ ترامپ به تدریج افزایش پیدا کرد. با خودم گفته بودم که اگر ترامپ برنده شود از وطنم شرم می‌آید. گمان می‌کنم (با پیروزی ترامپ) آبروی آمریکا در جهان به خطر بیفتد.

آیا از آمریکا مهاجرت می‌کنید؟

نمی‌دانم. من ۷۲ سالم است و برای مهاجرت به کشور دیگری پیر شده‌ام. امیدم این است که هنگامی که ترامپ با دولتمردان کشورهای مثل چین و روسیه روی صحنه تئاتر دیپلماسی جهانی ظاهر شود، کوچکتر جلوه کند. اما اگر تلاش کند آن طرفداهانی را که پشت میزش به کار می‌بست، در دیپلماسی جهانی هم به کار ببندد، چه اتفاقی می‌افتد؟

گمان نمی‌کنم چنین فاجعه‌ای رخ دهد. ما در سیستم سیاسی آمریکا تورهای حفاظتی زیادی داریم که مانع از او می‌شوند کار فاجعه‌آمیزی انجام دهد. بهمن البته الهام شده که در این کشور (بعد از پیروزی ترامپ) یک کودتای نظامی بدون خونریزی اتفاق می‌افتد. این فقط یک تخیل است. مغزهای متفکر نظامی آمریکا هر آینه که با شخصیت شکننده‌ای مانند ترامپ روبه‌رو شوند که به تلفن قرمز و کلاهک‌های هسته‌ای دسترسی دارد، دست به یک کودتا می‌زنند.

چنین کودتایی چگونه اتفاق می‌افتد؟

همان‌طور که هر کودتای دیگری اتفاق افتاده. اما گفتم که: این، تخیل من است. شاید هم آرزوی نهانم. چندی پیش ویدیویی دیدم از بازداشت چائوشسکو و این‌که چگونه او را از قدرت به‌زیر کشیدند و تیربارانش کردند. پنج دقیقه قبل از آن، روحش خیر نداشت که چه اتفاقی می‌افتد. گمان می‌کرد همچنان قدرت را در دست دارد. فریادکنان به آن‌ها که بازداشتش کرده بودند می‌گفت که مجازات‌شان می‌کند.

وقتی هم که داشتند تیربارانش می‌کردند همچنان فریاد می‌زد. او غافلگیر شده بود. نترسیده بود. فقط خشمگین بود. بسیار خوب. اما این اتفاق در آمریکا نمی‌افتد.

نه. نمی‌افتد. این فقط «تخیل» است و من هم تخیل می‌کنم که یک کودتای بدون خونریزی اتفاق می‌افتد.

همچنین صدها نویسنده دیگر از جمله «استفن کینگ»، «کالم توپین»، «لیدیا دیویس»، «جرالدین بوکز»، نامه‌ای را امضاء کرده‌اند که متن آن در مخالفت با نامزدی دونالد ترامپ برای انتخابات ریاست‌جمهوری پیش رو کشور ایالات متحده است.

خبرگزاری گاردین، درباره این نامه نوشت: این نامه که توسط دو نویسنده به نام‌های «مارک اسلوکا»، «آندرو آلتشول» در اینترنت پخش شد پیش از این ۴۵۰ نویسنده و حدود ۶۰۰۰ نفر از مردم آن را امضاء کرده‌اند. در میان امضاکنندگان نام نویسندگان برنده جایزه پولیتزر چون «جینیفر آگان»، «بروکز»، و «جانوت دیاز» و نویسندگان آثار پر فروش همچون «امی تن»، «آنیثا شرو»، «مایکل شایون»، «دیو آگرنز»، «شریل استرید»، و «کرتیس سینتفیلد» دیده می‌شود. این بیانیه بر آزادی دموکراسی و شنیدن صدای مخالف در هر دین و مذهب و دستیابی به نتیجه از طریق عقل و منطق تأکید می‌ورزد. در این بیانیه آمده است: «تاریخ کشور آمریکا با وجود همه تعصبات بی‌جا در زمان گذشته معروف به گردآوری مردم دنیا از پیشینه‌های مختلف است و این گروه‌های مختلف همیشه در صلح با یکدیگر در این کشور زیسته‌اند.

این تجربه به همراه انعطاف‌پذیری، دانش، و آگاهی تاریخی از خصوصیات مورد نیاز یک رهبر است. ثروت و شهرت موجب صلاحیت یک فرد برای سخن‌گویی کشور نیست. چنین فردی ظرفیت و توانایی اداره سیستم نظامی و حفظ یاران کشور را ندارد و نماینده خوبی برای فرهنگ ملت نیست.

از آنجا که وجود چنین فردی عامدا سعی در ایجاد خشونت در جامعه دارد و خشم را در میان طرفداران خود رواج می‌دهد، مخالفان را سرکوب می‌کند، پیروان مذاهب دیگر را دچار رعب و وحشت می‌کند، زنان و کودکان را خوار می‌شمارد، ما در این نامه تقاضا داریم جوابی روشن و صریح به ما بدهید! به دلایلی که گفته شد و عقل جمعی حکم می‌کند با نامزدی دونالد برای انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا مخالفیم».

«اسلوکا» در فیس‌بوک خود نوشت که ده روز پیش «من و «آلتشول» نامه‌ای نوشتیم تا دلایل ایجاد پدیده وحشتناکی به نام «دونالد ترامپ» را بررسی کنیم اما پس از برخورد خوب نویسندگان و مردم تصمیم گرفتیم آن را تبدیل به یک بیانیه کنیم.

من فکر می‌کنم وجود چنین فردی در راس یک اتفاق مهم در کشورمان بسیار خطرناک است. وی دارای عقاید افراطی است و هیچ‌گونه علاقه‌ای به شنیدن نظری جز نظر خود و هم‌فکران خود ندارد. از نظر من وی صلاحیت نمایندگی کشورمان در دنیا را ندارد.

کشور ایالات متحده، تاکنون به دلیل حضور در جنگ‌های مختلف دنیا تخطئه شده است. دنیا به جنگی دیگر نیاز ندارد که هم به سرمایه‌های کشور ضربه می‌زند و هم کشور، به بهانه عقده‌گشایی یک فرد که هیچ ربطی به ملت صلح‌دوست کشور ندارد با تبعات منفی بسیاری روبه‌رو می‌شود.

ما از همه مردم و افراد مشهور درخواست می‌کنیم هر چه زودتر این بیانیه را امضاء کنند تا صدای ما به گوش همه برسد».

«جی.کی. رولینگ» رمان‌نویس مشهور و ثروتمند انگلیسی که برای نگارش هفت‌گانه «هری پاتر» به شهرت جهانی رسیده، حساسیت زیادی روی آینده ایالات متحده آمریکا دارد. او جدیدترین نظرش را درباره انتخابات ریاست جمهوری این کشور توثیق کرده و نوشته است: چه این‌طرفی چه آن‌طرفی، تاریخ امشب ساخته می‌شود. خوب رشم بزنید. خواهش می‌کنم خوب رشم بزنید.

«باستل» نوشت: درگیری «رولینگ» با این مسأله از زمان انتخاب شدن «دونالد ترامپ» به عنوان یکی از کاندیداهای اصلی ریاست جمهوری آمریکا شروع شد. این نویسنده ماه اکتوبر گفت: وقتی مردی این‌قدر ناآگاه و فردی که بازی دادنش آسان است، تا نوک دماغش به کدهای هسته‌ای نزدیک می‌شود، مسؤلیت‌ش با همه است.

این نویسنده پیش‌تر هم نشان داده که از اعلام نظرات صریح خود درباره مردی که شاید رئیس‌جمهور بعدی امریکا باشد، هیچ ابائی ندارد. «رولینگ» در یکی از تندترین تونیت‌هایش نامزد حزب جمهوری‌خواه را با «ولدمورت» شخصیت منفی داستان‌های جادوگری «هری پاتر» مقایسه کرد.

او در پاسخ به مقاله‌ای با عنوان «به‌این دلیل مردم تاجر امریکائی دونالد ترامپ را لرد ولدمورت می‌خوانند»، نوشت: چه وحشتناک. ولدمورت اصلاً به‌بدی ترامپ نبود.

نویسنده «آوای فاخته» همچنین در روز ششم اکتوبر در توییترش نوشت: اگر همه ما هم‌زمان ctrl-alt-del را بگیریم، شاید بتوانیم سال ۲۰۱۶ را به‌زور ریپوت (دوباره راه‌اندازی) کنیم.

استیفن هاوکینگ، فیزی‌کدان نظری سرشناس، کیهان‌شناس و نویسنده انگلیسی، در مصاحبه‌ای با بیان این که محبوبیت دونالد ترامپ برای وی امری غیرقابل فهم است. به‌گزارش پرس اسوسیشن، استیفن هاوکینگ گفت: محبوبیت ترامپ «عوام‌فریب»، نامزد جمهوری‌خواه امریکائی برای ریاست جمهوری فراتر از درک من است و نمی‌توانم آن را توضیح دهم.

این فیزی‌کدان نظری مشهور جهان نظر منفی خود را درباره ترامپ میلیاردی پنهان نکرده و پیش‌تر هم هوش وی را زیر سؤال برده بود.

هاوکینگ در پاسخ به‌این سؤال برنامه «صبح به‌خیر انگلیس» شبکه «آی‌تی‌وی» که آیا اطلاعاتش درباره کهکشان‌ها می‌تواند به‌فهم دلیل محبوبیت این میلیاردی امریکائی کمکی کند یا خیر، گفت: نمی‌توانم. او یک «عوام‌فریب» است و به‌نظر می‌رسد که به‌کمترین مسائل مشترک می‌پردازد.

پروفیسور هاوکینگ در بخش دیگری از صحبت‌هایش بار دیگر از رای‌دهندگان انگلیسی خواست تا به خاطر علم و دانش و نیز دلایل اقتصادی و امنیتی از ماندن در اتحادیه اروپا حمایت کنند.

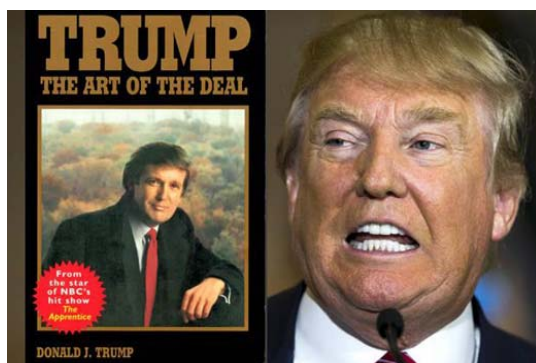
فرانکوم جدائی از اتحادیه اروپا قرار است ۲۳ ژوئن (سوم تیر) برگزار شود.

وی گفت: آن روزها که می‌توانستیم علیه جهان روی پای خودمان بایستیم، گذشته است. لازم است که بخشی از گروه بزرگتری در جهان باشیم؛ هم به‌خاطر امنیت و هم به‌خاطر تجارت. احتمال خروج کشورمان از اتحادیه اروپا، الان هم به‌شدت ارزش پوند را کاهش داده است؛ چرا که بازارها تشخیص می‌دهند که این اقدام به‌اقتصاد ما لطمه خواهد زد.

مدیر تحقیقات مرکز کیهان‌شناسی نظری در دانشگاه کمبریج افزود: دو دلیل واضح برای ماندن ما در اتحادیه اروپا وجود دارد. اول این‌که جابه‌جائی افراد در آن ارتقا مئیابد و دانشجویانی از کشورهای اتحادیه اروپا برای تحصیل به‌این‌جا می‌آیند و دانشجویان ما به‌سایر دانشگاه‌های اتحادیه اروپا می‌روند. از همه مهم‌تر، در سطح تحقیقات، تبادل افراد اجازه انتقال سریع‌تر اطلاعات را می‌دهد و افرادی جدید با ایده‌های متفاوت را وارد می‌کند که پیشینه‌های مختلفی دارند. دلیل دیگر مالی است؛ شورای تحقیقات اروپائی کمک‌های مالی بزرگی به‌نهادهای انگلیسی کرده است که تحقیقات را سرعت داده و یا تبادلات را افزایش می‌دهد.

### اعتراف نویسنده کتاب ترامپ

به‌گزارش نیویورک تایمز، دونالد ترامپ، تاکنون بارها از خودش به‌خاطر نگارش کتاب «هنر معامله» تعریف کرده و مدعی شده است که نکته‌های ظریف ذکر شده در پرفروش‌ترین کتابش را در آینده در سمت ریاست جمهوری امریکا نیز به‌کار خواهد گرفت.



این کتاب که در سال ۱۹۸۷ منتشر شد، زندگی‌نامه ترامپ و مسیری که او تا رسیدن به اوج موفقیت در تجارت و تبدیل شدن به بزرگترین سرمایه‌دار حاضر در بازار املاک و مستغلات نیویورک طی کرده است را با جزئیات تمام شرح می‌دهد.



اما «تونی شوارتز»، به‌عنوان نویسنده اصلی این کتاب که در ازای دریافت پول، ۱۸ ماه از عمر خود را در دهه ۸۰ میلادی صرف مصاحبه با ترامپ و نوشتن جزئیات زندگی او کرد، اکنون می‌گوید که این کتاب یک «کتاب تخیلی» است. شوارتز، به‌تازگی در مصاحبه‌ای با مجله نیویورکر برای اولین بار و به‌صورت کاملاً شفاف توضیح داده است که چه چیزهایی را از زندگی ۱۸ ماهه خود با ترامپ آموخته است.

وی در این مصاحبه عنوان می‌کند که به‌دلیل نیاز مالی نگارش این کتاب را پذیرفته و در این کتاب سعی کرده است شخصیت ترامپ را تا حد امکان «مثبت» جلوه دهد؛ چراکه معتقد بوده است روایت زندگی ترامپ به‌گونه‌ای که در این کتاب آمده نسبت به‌کتابی که درباره یک «تاجر بی‌رحم» نوشته شود، با فروش بیش‌تری مواجه می‌شود.

وی در این مصاحبه تأکید می‌کند اگر امکان انجام دوباره این کار را داشت، نام «جامعه‌سنج» را برای این کتاب انتخاب می‌کرد.

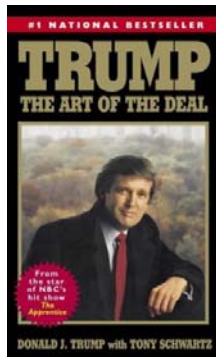
شوارتز گفته است از این‌که ترامپ را در این کتاب بهتر از آنچه که هست معرفی کرده به‌شدت احساس پشیمانی می‌کند. او معتقد است با شناختی که در این سال‌ها از ترامپ به‌دست آورده است، اگر او روزی به‌ریاست جمهوری انتخاب شود و اختیار استفاده از بمب اتم را در دست بگیرد، به‌تمدن بشری پایان خواهد داد.

شوارتز، همچنین در گفتگو با نیویورکر می‌گوید ترامپ در طول مصاحبه‌ها هرگز به‌پرسش عمیقی که نیازمند تفکر بود پاسخ نمی‌داد و اگر با اصرار او مواجه می‌شد با وجود آنکه کتاب برای خود او بود، به‌شدت عصبانی می‌شد.

شوارتز، در این مصاحبه ترامپ را «تشنه توجه» توصیف می‌کند و معتقد است که او درست به‌همین دلیل وارد انتخابات ریاست جمهوری آمریکا شده است.

او، همچنین می‌گوید ترامپ در زمانی که در خصوص این کتاب با او همکاری داشت، به‌شدت اهل مبالغه بود و از گفتن دروغ‌های آشکار به‌اطرافیان خود هیچ ابائی نداشت.

بسیاری از شخصیت‌های معروف، اشخاصی را به‌عنوان همکار برای نوشتن کتاب‌هایی در مورد خودشان به‌خدمت می‌گیرند؛ اما شوارتز می‌گوید ترامپ عملاً کوچکترین سهمی در نگارش کتاب «هنر معامله» نداشته و در مقابل، تمام حقوق معنوی این کتاب را نیز به‌نفع خود مصادره کرده است. شوارتز می‌گوید تنها کاری که ترامپ در خصوص این کتاب انجام داد، این بود که در مراحل پایانی نگارش کتاب، با خودکار بر روی نام افرادی که نمی‌خواست نامی از آن‌ها در کتاب برده شود خط قرمز کشید. این در حالی‌ست که ترامپ بارها مدعی شده است که نگارش این کتاب را خود او انجام داده است. گفته می‌شود ترامپ تاکنون بالغ بر ۱۸ کتاب را نوشته است، اما مهم‌ترین و مشهورترین این کتاب‌ها عبارتند از: «ترامپ: هنر معامله»، «ترامپ: باقی‌ماندن در اوج»، «ترامپ: هنر بازگشت»، «امریکائی که لیاقت آن را داریم».



مشهورترین کتاب ترامپ «ترامپ: هنر معامله»

ترامپ در ۷ اکتوبر سال ۱۹۹۹، از تشکیل کمیته‌ای مشورتی برای کمک به وی برای تصمیم‌گیری در خصوص نامزدی به نمایندگی از حزب اصلاحات آمریکا در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ آمریکا، خبر داد، اما بعدها به علت مشکلات موجود در این حزب، از تصمیم خود منصرف شد. در انتخابات سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۸ شایعاتی از قصد وی برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا به‌نمایندگی از حزب جمهوری‌خواه این کشور منتشر شد. در میانه سال ۲۰۰۶، او به‌فکر رقابت برای کسب منصب فرمانداری ایالت نیویورک به نمایندگی از حزب جمهوری‌خواه آمریکا افتاد. در سال ۲۰۱۲، ترامپ بار دیگر به‌نقش‌آفرینی در دنیای سیاست علاقه‌مند شد و به‌صورت علنی اعلام کرد که در حال ارزیابی شرایط برای نامزدی در رقابت‌های ریاست جمهوری آمریکا است. با این حال، همراهی و ارتباط وی با جنبش «Birther» که اعضای آن سرسختانه معتقد بودند که او باما در ایالات متحده به‌دنیا نیامده است، برای ترامپ گران تمام شد و اعتبار سیاسی وی را خدشه‌دار کرد. هرچند ترامپ همچنان از منتقدان مشهور باراک او باما باقی ماند. تنها سه سال پس از آن و در تاریخ ۱۶ ژوئن ۲۰۱۵ بود که او به‌طور رسمی از قصد خود برای نامزدی حزب جمهوری‌خواه در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا سخن گفت و کارزار تبلیغاتی‌اش را آغاز کرد. او در یکی از سخنرانی خود جمله‌ای را به‌زبان آورد که نشان‌دهنده جاه‌طلبی‌هایش بود، این‌که «من رئیس جمهور بزرگترین کارهایی خواهم بود که تا کنون خداوند خلق کرده است».

تظاهرات ۲۱ جنوری ۲۰۱۶



جنبش زنان، مساوات‌طلبان و فمینیست‌ها می‌خواهند یک روز بعد از مراسم ادای سوگند روز جمعه ۲۰ جنوری ۲۰۱۷، یعنی ۲۱ جنوری میلیون‌ها نفر را به‌واشنگتن بکشانند تا در اعتراض به او تظاهرات کنند. برنامه‌ریزان در نظر دارند که تظاهرات را در محل بنای یادبود لینکلن آغاز کنند و خارج کاخ سفید به‌پایان برسانند.

فراخوان برای انجام این تظاهرات در روز ۲۱ جنوری، از چند روز قبل روی فیس‌بوک قرار گرفته و برگزارکنندگان در حال باز کردن صفحات مخصوص برای هر ایالت هستند. تاکنون برای بیش از ۱۶ ایالت در شبکه‌های مجازی صفحات ویژه‌ای ایجاد شده است.

در عرض ۴۸ ساعت بیش از ۱۳۶ هزار نفر به‌فراخوان این تظاهرات واکنش نشان دادند و تعداد کسانی که تا این لحظه گفته‌اند در آن شرکت می‌کنند ۵۲ هزار نفر است.

آن‌ها می‌گویند که هدف این برنامه نشان دادن شجاعت و قدرت مخالفان در قالب یک تظاهرات آرام است. تمام زنان، ترنس‌ها، ناراضیان و فمینیست‌ها به‌این تظاهرات دعوت شده‌اند. برگزارکنندگان، همچنین نوشته‌اند که ورود هرکس که از حقوق زنان حمایت می‌کند به‌این تظاهرات آزاد است.

به‌نقل از صفحه ویژه این فراخوان در نیویورک، این تظاهرات نمایش همبستگی شرکت‌کنندگان در زمانه‌ای است که جامعه در حال به‌حاشیه راندن این گروه‌ها و عادی‌سازی آزار جنسی به‌عنوان جرمی قابل بخشش است.



باب بلاند، یکی از برنامه‌ریزان این تظاهرات در نیویورک گفته که این تظاهرات اعتراضی به‌رفتار ترامپ با زنان، از جمله اظهار نظرهای گوناگون او درباره زنان در گذشته و در جریان رقابت‌های انتخاباتی است.

برگزارکنندگان، همچنین از علاقه‌مندان به‌شرکت در این تظاهرات خواسته‌اند که از حالا به‌فکر رزرو هتل در واشنگتن باشند. به‌نظر می‌رسد که هتل‌ها به‌دلیل برگزاری مراسم تحلیف یک روز قبل از این تظاهرات، بسیار شلوغ باشند. به‌علاوه آن‌ها گفته‌اند که این تظاهرات می‌تواند در سراسر آمریکا برگزار شود و اگر گروهی نمی‌توانند به‌واشنگتن سفر کنند، می‌توانند برنامه مشابهی در محل سکونت خود برگزار کنند.

باید منتظر ماند و دید که آیا این تظاهرات در چه سطح برگزار شود و چه برخورد امنیتی صورت گیرد؟ آیا این حرکت سرکوب خواهد شد؟! آیا به‌یک جنبش مداوم و پیگیر تبدیل خواهد شد و جنبش «وال استریت را اشغال کنید» و «ما ۹۹ درصدیم» را تکرار خواهد کرد؟!

**جمع بندی**



دونالد ترامپ، با شعارهای نژادپرستانه و زن‌ستیز، «بار دیگر آمریکا را بزرگ کنیم» یک سال و نیم کارزار را به‌نقطه پیروزی رساند، در حالی که حتی اعضای حزب او، یعنی جمهوری‌خواه‌ها، بیش از ۱۶۰ عضو، در ماه‌های آخر از او جدا شده بودند.

او در نخستین سخنرانی‌اش به‌عنوان رئیس جمهور منتخب آمریکا وعده داد که آمده است تا بار دیگر «رویای امریکائی را دوباره بسازیم و بر پا کنیم».

ترامپ در نخستین ساعات روز چهارشنبه ۱۹ آبان‌ماه، با حضور در ستاد انتخاباتی خود در منهتن نیویورک در کنار خانواده و معاونش، مایک پنس، و نزدیکترین مشاوران و همراهانش در کارزار چندین ماهه‌اش روی سن رفت و اولین سخنرانی‌اش را به‌عنوان رئیس جمهور منتخب آمریکا ایراد کرد.

دونالد ترامپ، یکی از سرمایه‌داران آمریکا است؛ در رقابت‌های تبلیغاتی ریاست جمهوری، سطح جدید غیرقابل تصویری از ماجراجویی را نشان داد و به‌مانند حمله‌های جدی و صریحی که به‌جریان‌های سیاسی داخل آمریکا و همچنین برخی کشورها برد، خود را فردی بی‌پروا و نترس معرفی کرد. اما با این وجود و بدون سابقه سیاسی و نظامی، توانست یکی از مهم‌ترین و کارکشته‌ترین سیاست‌مداران امریکائی، هیلاری کلینتون دموکرات را پشت سر گذاشته و وارد کاخ سفید شود.

ترامپ جنجالی‌ترین شخصیت تاریخ انتخابات ریاست جمهوری امریکاست؛ نه به‌این دلیل که میلیاردها دلار ثروت دارد، بلکه به‌این دلیل که روشی تهاجمی را در تبلیغات ریاست جمهوری به‌کار برد و با آن احساسات امریکائی‌ها را درباره موضوعات حساسی چون نژادپرستی و امور متعلق به اقتصاد آمریکا برانگیخت.

روش و شیوه کاری او در کوران تبلیغات ریاست جمهوری، که عجیب‌ترین از نوع خود بود، از تجربه‌های تلویزیونی و سوابق کاری خود در زمینه رسانه استفاده کرد. او پیش از این مجری یک برنامه تلویزیونی به‌نام *The Apprentice* در شبکه *ان بی سی* بوده است.

دونالد ترامپ، صاحب تعداد بی‌شماری پروژه و برنامه اقتصادی، از جمله برنامه‌های تفریحی ترامپ و تعداد زیادی رستوران، هتل، قهوه‌خانه، زمین‌های گلف و کارخانه‌های دیگر در سرتاسر جهان است.

نام دونالد ترامپ، در هیچ مسؤولیت و جایگاه سیاسی در تاریخ آمریکا هیچ جایی ندارد. تصویری که از او وجود دارد، تصویر یک میلیاردر است که درگیر کارها و مشکلات تجاری و شخصی خود است. برخلاف هیلاری کلینتون که به‌عنوان یکی از سیاست‌مداران برجسته شناخته می‌شود، تصویر غیرمعمول ترامپ و شیوه زندگی، برند تجاری و شیوه سخن گفتن صریح او در موضوعات سیاسی از او چهره‌ای شناخته شده ساخت به‌نحوی که توانست با استفاده از این تصویر غیرمعمول و این معروفیت خالی از پس‌زمینه‌های سیاسی، هیلاری کلینتون نامدار را پشت سر بگذارد.

همه این‌ها در حالی است که کسی از سیاست خارجی و حتی جزئیات سیاست داخلی ترامپ چیزی نمی‌داند؛ از معدود نکات ملموسی که او درباره سیاست خارجی گفته است می‌توان به‌تعریف و تمجیدش از ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، و وعده کشیدن دیوار در مرز آمریکا و مکزیک و اخراج هزاران مهاجر، اشاره کرد.

ترامپ بارها گفته است که اعراب امریکائی از حملات یازده سپتامبر ابراز خشنودی کردند. این در حالی است که هیچ گزارشی در این مورد وجود ندارد.

امریکا باید از «القای حس خفگی با آب» استفاده کند. ترامپ معتقد است این شیوه و دیگر موارد «بازجویی سخت» در مبارزه با داعش مشروع است و می‌گوید این کارها در مقابل کارهایی که آن‌ها می‌کنند، از جمله سر بریدن «هیچ» است.

باید داعش را «با بمب صاف کرد». ترامپ مدعی است که هیچ‌یک از نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا به اندازه او به داعش سخت نخواهند گرفت و بگفته او این گروه با قطع دسترسی‌شان به نفت تضعیف خواهد شد. لغو مجوزهای سفر توریستی بدون ویزا میان آمریکا و کشورهایی که در بازگرداندن مهاجرات غیرقانونی خود همکاری نکنند، از جمله دیگر برنامه‌های اعلام شده از سوی ترامپ بود. او، همچنین اعلام کرد که در ۱۰۰ روز اول ریاست‌جمهوری خود فرایند اخراج «بیش از دو میلیون مهاجر غیرقانونی مرتکب جنایت» از خاک ایالات متحده را آغاز خواهد کرد.

اخراج مهاجران غیرقانونی و وضع ممنوعیت‌های شدید بر مهاجرت به آمریکا، از جمله مهم‌ترین وعده‌های انتخاباتی دونالد ترامپ از زمان شروع فعالیت‌های انتخاباتی او بوده است.

سیاست‌های ترامپ در رابطه با ایران نیز قابل‌توجه است. ترامپ در واقع نماینده آن بخش از جمهوری خواهانی است که از دستیابی ایران و گروه ۵+۱ به برجام ناخشنود هستند و معتقدند که کلاه گشادی بر سر آمریکا در طول مذاکرات گذاشته شده و به همین خاطر، او تهدید کرده است که در صورت رئیس‌جمهور شدن، توافق هسته‌ای را پاره می‌کند. البته باید گفت که برجام، توافقی مورد حمایت شورای امنیت سازمان ملل است که قطعنامه ۲۲۳۱ بر آن صحنه گذاشته و نه ترامپ و نه هیچ فرد دیگری نمی‌تواند اقدامی علیه آن انجام دهد. با این حال بی‌تردید او برخورد «مثبت» باراک اوباما و جان کری در رابطه با ایران و برجام را نخواهد داشت و می‌توان انتظار داشت که در دوره ریاست‌جمهوری احتمالی او، رویارویی‌ها افزایش خواهد یافت.

نهایتاً در مقایسه با کلینتون، ترامپ تجربه کمتری در امور بین‌المللی دارد؛ ولی ظاهراً کلی سیاست‌های خارجی او بیش‌تر متمایل به اتخاذ سیاست انزوا و عدم دخالت در امور دیگر کشورها دارد. او از کشورهای هم‌پیمان ایالات متحده - خواه در ناتو و جاپان و خواه در کشورهای خلیج فارس - می‌خواهد که در عرصه روابط بین‌الملل مسؤولیت‌های مالی بیش‌تری را بپذیرند و هزینه بیش‌تری را در این عرصه بپردازند. او به‌شدت از سازمان ملل انتقاد دارد و معتقد است که ایالات متحده بار سنگین تأمین هزینه‌های آن را بر عهده گرفته بدون آن‌ها نتیجه ملموسی از این امر ببرد. او خواستار جلوگیری از ورود مسلمانان به ایالات متحده است و ملاحظات خاص خود را در مورد روابط عربستان با آمریکا دارد. هیلاری کلینتون، نامزد حزب دموکرات نیز در سخنرانی‌های انتخاباتی خود، هدفش از ورود به عرصه قدرت را تجدید حاکمیت آمریکا در منطقه خاورمیانه، فعالیت بیش‌تر در حوزه مسائل سیاسی مربوط به ایران و روسیه و ایجاد منطقه پرواز ممنوع در سوریه برشمرده بود.

دونالد ترامپ، نامزد حزب جمهوری‌خواه نیز اعلام کرده بود، آمریکا باید به‌ترمیم و بازسازی قوای نظامی خود بپردازد که طی سال‌ها توان خود را در درگیری‌های مختلف از دست داده است و نیز باید روابط نزدیکی با روسیه برقرار کرده، سپس به مبارزه با گروه تروریستی داعش بپردازد.

به این ترتیب، نیازهای اساسی مردم در کارزار تبلیغاتی هر دو نامزد ریاست‌جمهوری آمریکا و در روند بازی‌های سیاسی مضحک، فراموش شده بود. چرا که نامزدهای انتخاباتی بیش‌تر بر هزینه‌های نظامی و منازعات خارج از کشور متمرکز شده‌اند، به جای این‌که لحظه‌ای درباره بهبود استانداردهای زندگی مردم در داخل کشور بیاندیشند.

بنا به اقرار سناتور کوچینیچ، مردم آمریکا، از امکاناتی نظیر مشاغل مناسب، مسکن و امکانات آموزشی و تحصیلی برای فرزندان‌شان دور مانده‌اند. آن‌ها در محله‌های امن، زندگی نمی‌کنند و به‌هنگام بازنشستگی از امنیت لازم برخوردار نیستند، در حالی که به‌رهمندی از سیستم درمانی مناسب، هوای پاک و آب سالم از مسائل ضروری است.

او در ادامه تأکید کرد: ایالات متحده آمریکا نباید تریلیون‌ها دلار را با سرمایه‌گذاری در خصوص درگیری‌ها و آماده‌سازی مقدمات جنگ به‌هدر دهد.

ریاست‌جمهوری ترامپ می‌تواند بسیار چالش‌برانگیزتر باشد. موضع او را بالاخص درباره ناتو جالب است، تعهد او مبنی بر این‌که ناتو باید بیش‌تر بر نبرد علیه تروریسم متمرکز باشد، با وجود این‌که برنامه کاری آن متفاوت است. اروپایی‌ها علاقه‌مند به این هستند که ناتو به‌نقش دفاعی و موضع بازدارندگی خود در اروپا ادامه دهد. عملکرد ترامپ، در حوزه تجارت بین‌الملل نیز تنش‌زا خواهد شد. احتمال دارد ترامپ، تعهد تاکتونی آمریکا، به‌توافق‌هایی به‌مانند تی‌تی‌پی‌پی را مورد بازنگری قرار داده و توافقات تجاری به‌مانند نفتا را بار دیگر مورد مذاکره قرار دهد. توافق شراکت تجاری فراتلانتیک از قیل بنا به‌دلایل بسیار در بن‌بست قرار دارد. در صورت ریاست‌جمهوری ترامپ، مشکلات بسیاری در عرصه تجارت بین‌المللی خواهد داشت. این یک فرآیند طولانی در آمریکا بوده و البته منبع اختلاف با اتحادیه اروپایی است.

ترامپ اعلام کرده است که آماده است از توافق آب‌وهوایی بیرون آید در حالی‌که اتحادیه اروپا از همان ابتدا از حامیان فعال این توافق و اجرای آن بوده است. این توافق اهمیتی اصلی در مواضع اتحادیه اروپایی در عرصه بین‌المللی دارد. فهمیدن آن‌چه ترامپ ممکن است در خاورمیانه انجام دهد بسیار سخت‌تر است. تاکنون سیاست آمریکا، جنگ علیه «تروریسم» متمرکز شده است اما مشخص نیست که این امر ادامه یابد. این یک مشکل عمومی در سیاست خارجی آمریکا است که چگونه خواهد توانست از خاورمیانه خارج شود. او بامای سعی کرد اما به‌دلایل منافع زیادی که در منطقه وجود دارد نتوانست.

حزب جمهوری‌خواه، حتی درباره بسیاری از موضوعات جهانی چون چین، روسیه، خاورمیانه و توافق هسته‌ای ایران، موضع سخت‌تر و تندروانه‌ای نسبت به‌ترامپ دارد. بنابراین شاید اعمال تغییرات از جانب ترامپ به‌دلیل همین رویکردها که ریشه عمیقی در حزب جمهوری‌خواه دارند بسیار سخت نباشد. این امر درباره مسأله اوکراین نیز صادق است. جمهوری‌خواهان بسیار طرفدار افزایش کمک‌های تسلیحاتی به‌دولت اوکراین هستند تا بتواند تأثیرگذاری بیش‌تری داشته باشد. در هر حال، ترامپ در تغییر موضع آمریکا در قبال روسیه کار سختی را پیش‌رو خواهد داشت. در عین حال، اما برخی برنامه‌ها می‌تواند منجر به‌اختلافات با اتحادیه اروپایی شود.

به‌گفته ترامپ، بزرگ‌ترین آزمون ایالات متحده، مناسبات آن با چین است. چین اینک قصد تسلط بر منطقه نفوذ خود در شرق و جنوب شرقی آسیا را دارد، درست همان‌گونه که آمریکای نوحاسته در ۱۵۰ سال پیش خواهان تسلط بر نیمکره غربی شد. اکنون ایالات متحده و چین در حال رقابت بر سر برتری در شرق و جنوب شرقی آسیا هستند. واشنگتن از پایان جنگ جهانی دوم تا کنون در آن‌جا نیروی برتر بوده است و بسیاری از صاحب‌منصبان در نهادهای سیاست خارجی آمریکا، پی‌جویی چین برای نفوذ منطقه‌ای را یک تهدید می‌شمارند که باید در برابرش ایستاد. این رقابت برای سلطه‌جویی منطقه‌ای موجب گسترش تنش‌ها می‌شود و ممکن است به‌جنگ بیانجامد. در عرصه جغرافیای سیاسی، دو قدرت نمی‌توانند هم‌زمان در منطقه‌ای واحد، قدرت برتر باشند. در این‌جا احتمال درگیری نظامی بالاست، مگر آن‌که یکی از آن‌ها سوداهايش را از سر بیرون کند. از جمله نقاطی که ممکن است جرقه اشتعال کشمکش چینی-آمریکایی شوند عبارتند از، شبه جزیره بی‌ثبات کره، وضعیت مشاجر به‌رانگیز تایوان، رقابت بر سر کنترل نفت و دیگر منابع طبیعی، و رقابت فزاینده دریایی میان دو این قدرت.

این تنش‌های اوج‌گیرنده، حتی در پژوهش بروکینگز توسط وانگ جی سی (از دانشگاه پکن) و کنت لیرتال (مدیر امنیت ملی حوزه آسیا در دوره کلینتون) مورد تأکید قرار گرفته بود. مبنای این پژوهش، گفتگوهای آن‌ها با کارمندان عالی‌رتبه

امریکائی و چینی است. وانگ دریافت که در پشت چهره «همکاری دوجانبه» ای که هر دو کشور تنظیم کرده‌اند، چینی‌ها خود را به‌مثابه قدرت برتر جهانی، مستعد جانشینی ایالات متحده می‌انگارند. اما واشنگتن در صدد جلوگیری از این خیزش است. لیبرتال نیز می‌گوید که بسیاری از صاحب‌منصبان امریکائی بر این باورند که همتایان چینی آن‌ها مناسبات ایالات متحده- چین را تمثیلی از «بازی حاصل صفر ۲» برای تأمین هژمونی جهانی می‌بینند. به‌این ترتیب، ساختار قدرت جهانی در شرف تغییر است، و به‌همراه آن استراتژی بزرگ ایالات متحده نیز اجباراً تغییر خواهد کرد.

اما بسیاری از امریکائیان نکته‌سنج می‌دانند که تاریخ پایانی ندارد، اما تغییر اجتناب‌ناپذیر است، که ملت‌ها و تمدن‌ها طلوع و غروبی دارند، که هیچ عصری ابدی نیست. اکنون می‌توان دید که عصر پس از جنگ جهانی دوم که در ذهن بسیاری از امریکائیان اعتباری رمانتیک یافته همان نظم کهنه است. نظم کهنه‌ای که اینک دست‌خوش بحران است، به‌این معنا که پایان آن نزدیک است. تاریخ با همه فراز و نشیب‌ها و پیچیده‌ای‌هایش همچنان به‌پیش می‌رود.

تصمیمی که رئیس‌جمهور امریکا می‌گیرد باید نظرات کنگره امریکا، شورای امنیت ملی، وزارت خارجه و سی‌ای ای را جلب کند و در منافع ملی دو حزب فرق اساسی ندارند. درست است که رئیس‌جمهور تصمیم‌گیرنده اساسی است ولی باید نظرات لابی‌ها و ... را جلب کند حتی دوستان امریکا و ...

همان‌طور که در بالا نیز اشاره شد نه تنها ترامپ، بلکه حزب جمهوری‌خواهان، از جمله به‌بیمه‌های اجتماعی نظر مثبتی ندارند. آن‌ها به‌آزادی همجنس‌گراها و آزادی سقط جنین اعتقادی ندارند.

ترامپ در مقایسه با جرج بوش از قدرت تخریبی بیشتری برخوردار بوده و اگر جرج بوش جنگ عراق و به‌منوعی افغانستان را راه‌اندازی کرد، ترامپ ممکن است چنین جنگ‌هایی را علاوه بر منطقه خاورمیانه به‌قدرت‌های جهانی نظیر چین و روسیه هم بکشانند. ترامپ فاقد اندیشه‌های تجربه‌شده جهانی و اصول دیپلماتیک متداول بین کشورهاست. هر کدام از کشورهای جهان در نوبتی دچار پدیده پوپولیستی شده و خساراتی به‌منافع و امنیت جامعه آنان وارد شده است. گویا این بار امکان دارد نوبت ایالات متحده امریکا رسیده باشد. ترامپ در صحنه داخلی امریکا با مشکلات متعددی روبه‌رو شده و اشتباهات مکرر او باعث شده جامعه امریکا و به‌ویژه اقشار تحصیل‌کرده و متخصص این کشور نسبت به‌اشتباهات سیاسی وی موضع‌گیری کنند. مطالبی که نام‌برده در فاصله مبارزات انتخاباتی گذشته مطرح کرده، نه مقبول و محبوب جامعه بین‌الملل است و نه صاحبان اندیشه و تجربه در امریکا آن‌ها را مورد تأیید قرار می‌دهند. موضع‌گیری او نسبت به‌اقلیت‌ها در جامعه امریکا به‌عنوان یک اشتباه فاحش تلقی شده زیرا تشکیل جامعه امریکا اصولاً براساس تشکیل ملیت‌ها مختلف از اقصی نقاط جهان صورت گرفته است. بر همین اساس هرگونه اشتباه نابخردانه می‌تواند جامعه امریکا را دچار بی‌ثباتی‌های غیرمنتظره کند به‌ترتیبی که امنیت ملی کشور را مورد تهدید قرار دهد.

در هر صورت طبق سیستم انتخاباتی امریکا، دونالد ترامپ ۲۸۸ رای الکتورال را به‌دست آورد، در مقابل خانم کلینتون که با ۲۱۵ رای الکتورال در این انتخابات داغ و تنگاتنگ از پیروزی جا ماند. در نتیجه ترامپ، از روز بیستم جنوری ۲۰۱۷، کار خود را به‌عنوان رئیس‌جمهور آغاز خواهد کرد، باید پیش از آن همکاران و وزیران خود را برگزیند. بر خلاف معمول که همکاران نزدیک کاندیداها از قبل شناخته شده‌اند، در مورد دونالد ترامپ که هیچ سابقه سیاسی ندارد، پرسش‌های زیادی مطرح است.

این مطلب پنج قسمتی را با نقل قولی از «واشنگتن پست»، به‌پایان می‌برم: دیوید نوینس رئیس شوتایم که سال‌های زیادی را برای انعکاس خلق و خوی مردم در سریال‌های تلویزیونی نظیر ۲۴ و هوملند و فرایندی ناپیت فعالیت کرده است گفته است که ترامپ در صورت پیروزی یا شکست، تأثیرات بلند مدتی بعد از انتخابات بر امریکا خواهد

گذاشت. ترامپ و هوادارانش از بسیاری جهات مایه خجالت و سرزنش نخبگانی هستند که مسولیت کنترل فرهنگ عامه دارند.

این تحلیل گر جمهوری خواه، میگوید والدین زیادی به او مراجعه می کنند و میگویند فرزندان شان از ادبیات الهام گرفته شده از ترامپ در مدرسه استفاده می کنند. این زمانی است که شما می فهمید یک مشکلی وجود دارد.

معلمان در سراسر کشور، گزارش داده اند که بچه ها نه تنها فرم چهره ترامپ را تقلید می کنند، بلکه به تهدید دانش آموزان مهاجر در مدرسه نیز می پردازند.

معلمان میگویند بچه های مهاجران قانونی و شهروندان امریکا به آنها مراجعه کرده اند و گفته اند چرا این بچه ها آنها را اذیت می کنند و از آنها متنفرند. این در حالی است که این بچه ها قبل از ترامپ با هم دوست بودند. آنها در گوشی هایشان توئیت های ترامپ را به معلمان نشان می دهند و ترس در چهره هایشان مشهود است.

این ترس محدود به بچه ها نمی شود، بلکه روانپزشکان و مشاوران نیز میگویند مردم دچار کم خوابی شده اند و از استرس رنج می برند.

یکی از مشاورین گفته بیماران او میگویند از ترس رئیس جمهور شدن ترامپ و آغاز جنگ جهانی هسته ای شبها از خواب می پرند. آنها اسم این بیماری را بیماری اضطراب ترامپ گذاشته اند. او گفته در سه دهه اخیر، او هرگز بیمارانی شبیه بیماران چهار هفته اخیرش ندیده است. آنها از برنده شدن احتمالی یک کاندیدا وحشت زده اند. ممکن است آنها از ریاست جمهوری کلینتون هم متنفر باشد اما از آن نمی ترسند. ممکن است آنها از دوران ریاست جمهوری بوش متنفر باشند یا از او باما متنفر باشند اما هرگز از اینها وحشت نمی کنند.

چنین اعصاب فرسوده ای بازتابی از فروپاشی اعتماد جامعه است که پیش از ظهور ترامپ رخ داده است. در فرهنگی که در آن شخصیت های واقعی در برنامه تلویزیونی برای ورزش به جان هم می افتند، در جامعه ای که رابطه بدون تماس فیزیکی و دورادور باعث از بین رفتن اعتمادها شده است، ظهور کسی که حرفه ای که ما در فضای آنلاین با نام مستعار می زدیم را بلند می زند امر عجیبی نیست...

باید منتظر ماند و دید این بیماری مسری ترامپیسم، چه فجایع بیش تر انسانی و اجتماعی در جامعه امریکا و جهان پدید خواهد آورد!؟

پایان

دوشنبه یکم آذر [قوس] ۱۳۹۵ - بیست و یکم نومبر ۲۰۱۶